

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



نان نعمت خداست

بر اساس سخنان از حضرت امام



نام کتاب: نان نعمت خداست

ناشر: بهار دل‌ها

نویسنده: غلامرضا حیدری ابهری

طراحی: شرکت تبلیغاتی سیمای نور کوثر

تصویرگر: فرشته ارکیا

رنگ آمیزی: کبری فراهانیان

چاپخانه: سپهر نوین

نوبت چاپ: دوم / ۱۳۸۹

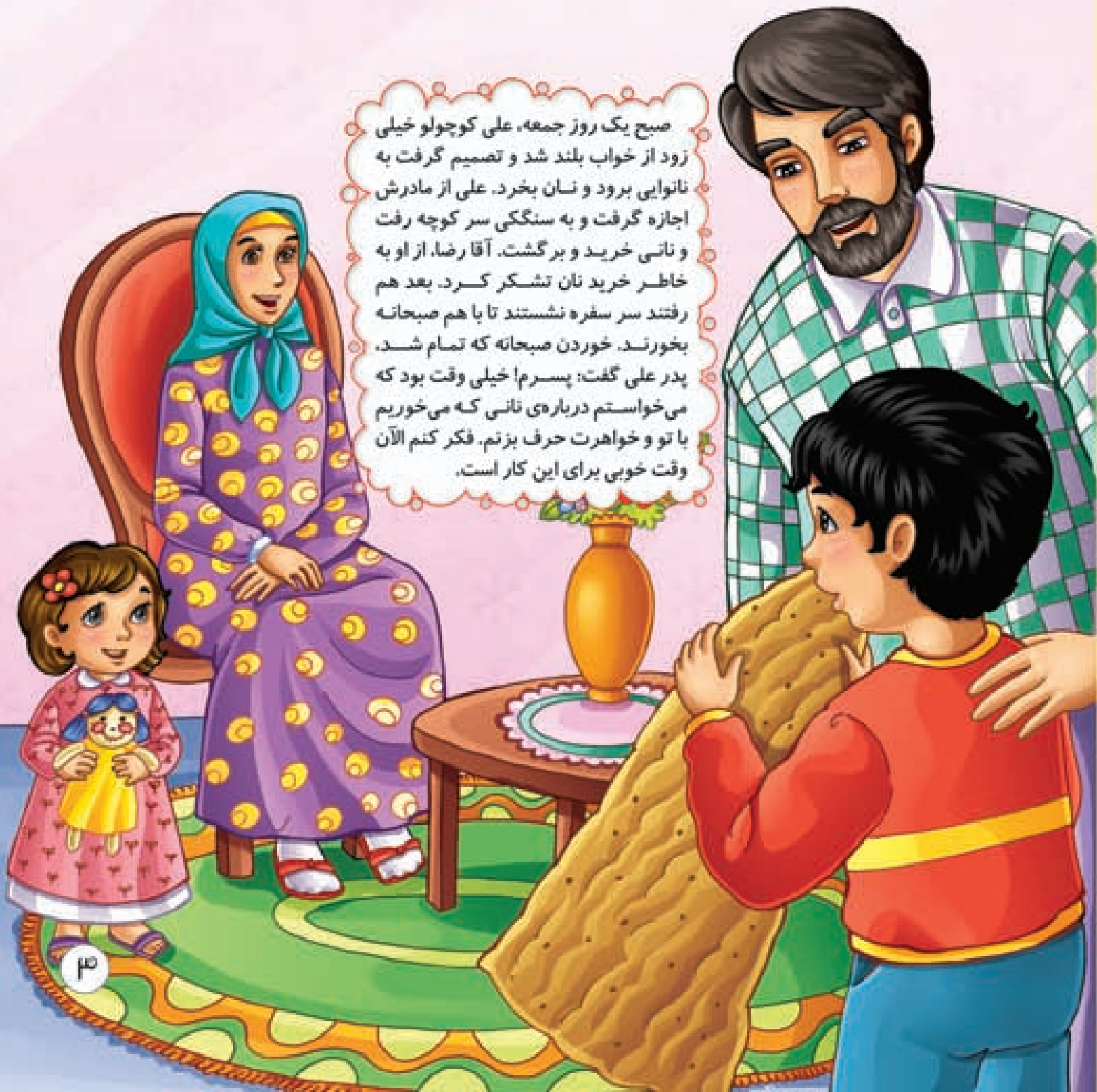
شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

قطع: خشتی

قیمت: ۱۰۰ تومان

شماره کتابخانه ملی: ۱۸۶۳۸۴۹

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۸۸۹-۹-۷



صبح یک روز جمعه، علی کوچولو خیلی زود از خواب بلند شد و تصمیم گرفت به نانوایی برود و نان بخرد. علی از مادرش اجازه گرفت و به سنگکی سر کوچه رفت و نانسی خرید و برگشت. آقا رضا، از او به خاطر خرید نان تشکر کرد. بعد هم رفتند سر سفره نشستند تا با هم صبحانه بخورند. خوردن صبحانه که تمام شد، پدر علی گفت: پسرم! خیلی وقت بود که می‌خواستم درباره‌ی نانسی که می‌خوریم با تو و خواهرت حرف بزنم. فکر کنم الآن وقت خوبی برای این کار است.

به نام خدا

فرزند عزیزم!

آیا تا به حال درباره‌ی نان و چگونگی درست شدن آن فکر کرده‌ای؟ تا یک نان به دست ما برسد، خیلی کارها باید انجام شود و افراد زیادی باید تلاش کنند.

حضرت محمد ﷺ فرموده‌اند: «نان را گرامی بدانید؛ زیرا برای درست شدن نان، بسیاری از آفریده‌های خدا - چه آن‌ها که در آسمان‌اند و چه آن‌ها که در زمین یا بین آسمان و زمین‌اند - کار می‌کنند.»

کتاب «**نان نعمت خداست**» داستان تهیه‌ی نان را برای تو تعریف می‌کند تا با ارزش این نعمت بیشتر آشنا شوی.

ما باید به حرف پیامبرمان گوش کنیم و نان را گرامی بدانیم. یعنی از آن درست استفاده کنیم و در نگهداری آن بکوشیم و تگه‌های سالم نان را دور نریزیم. نان نعمت خداست؛ پس مبادا هنگام استفاده از آن، اسراف کنیم. حالا که رهبر عزیزمان حضرت آیه الله خامنه‌ای از ما خواسته که در مصرف آب و برق و نان و بقیه‌ی چیزها بیشتر دقت کنیم، بیامون و تو هم در این راه کاری انجام دهیم و گامی برداریم.

غلامرضا حیدری ابهری





آقا رضا نگاهی به علی و خواهرش انداخت و بعد ادامه داد:
 «می‌دانید که نان، از گندم درست می‌شود. گندم را کشاورزها
 تولید می‌کنند.
 آن‌ها زمین را شخم می‌زنند تا برای بذر پاشی آماده شود.
 در گذشته زمین را با گاو آهن شخم می‌زدند؛ اما حالا این کار
 با تراکتور انجام می‌شود. بعد از شخم زدن، دانه‌های گندم را
 در زمین می‌کارند. پس از مدتی دانه‌های گندم سبز می‌شوند
 و از یک دانه گندم، ده‌ها دانه‌ی گندم به وجود می‌آید.»

علی کوچولو پرسید: «مگر دانه‌های گندم به آب نیاز ندارند؟»
 آقا رضا گفت: «چرا عزیزم! دانه‌های گندم اگر آب نخورند، سبز
 نمی‌شوند. پس از آن که کشاورزها دانه‌های گندم را کاشتند، ابرها
 از بالای دریاها حرکت می‌کنند و خودشان را به مزرعه‌های گندم
 می‌رسانند. ابرها، قطره‌های باران را مثل نقل‌هایی که در عروس‌ها
 روی سر عروس می‌پاشند، روی مزرعه‌های گندم می‌ریزند تا
 گندم‌ها آب بخورند و سبز بشوند.»



مادر علی لبخندی زد و گفت: «درباره‌ی کار خورشید هم توضیح بدهید.»
آقا رضا گفت: «آری، خورشید هم سهم زیادی در بزرگ شدن جانانه‌های گندم دارد. به غیر از آب باران، گندم‌ها برای سبز شدن باید از نور و گرمای خورشید هم استفاده کنند. خورشید، هر روز صبح که بالا می‌آید، بر مزرعه‌های گندم می‌تابد تا دانه‌های گندم خیلی خوب بزرگ شوند.»



پدر علی با دست به سمت پنجره و ابرهای آسمان اشاره کرد و گفت: «فکر می‌کنید ابرها چه‌طور خودشان را به مزرعه‌های گندم می‌رسانند، این کار با تلاش باد صورت می‌گیرد. باد، با قدرت خودش ابرها را به سوی مزرعه‌ها حرکت می‌دهد.»